



علی نقاش دزفولی

کارمند بازنشسته دانشگاه شهید چمران

سال بازنشستگی: ۱۳۸۹

اینجانب علی نقاش دزفولی، در سال ۱۳۳۷ در اهواز دیده به جهان گشودم. در کانون گرم خانواده رشد کردم و دوران تحصیلی ابتدایی خود را در دبستان خیام سابق و دوران متوسطه را در دبیرستان شاپور گذراندم. در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج گیری انقلاب و پیروزی آن، موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم. مانند تمام جوانانی که شور انقلابی داشته‌اند، روشن است که اینجانب هم از این قاعده مستثنا نبوده‌ام و برای سرافرازی میهن عزیزم، آرمان‌هایی را در دل خویش داشتم.

در شهریور سال ۱۳۵۷ به استخدام دانشگاه شهید چمران اهواز درآمدم. اولین واحد خدمتی‌ام، اداره روابط عمومی بود. در این زمان، اوج انقلاب اسلامی بود و دانشگاه هم درگیر اعتصابات و تظاهرات دانشجویی و تشکل‌های سیاسی بود، به گونه‌ای که عملاً کارهای اداری به کندی صورت می‌گرفت و موانع بسیاری بر سر راه بود که شرح آن در این نوشتار نمی‌گنجد.

به یاد دارم که اولین رئیس دانشگاه پس از انقلاب آقای دکتر منوچهر دوابی بود که بعد از انتصاب ایشان، من را که سابقه کاری چندانی هم نداشتم به عنوان مسئول دفتر خود انتخاب و در دفتر ریاست دانشگاه مشغول به کار شدم.

در این زمان، کارهای بسیار زیاد و متفرقه‌ای در دفتر انجام می‌شد و روزانه باید حجم زیادی از امور را در دفتر خدمت‌رسانی می‌کردیم که واقعا به من فشار کاری زیادی وارد می‌شد. مراجعه دانشجویان، کارکنان و هیات علمی به دفتر چند برابر شده بود به همین جهت پس از مدتی دوباره به محل قبلی خود در دفتر روابط عمومی برگشتم. با آغاز انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها که منجر به توقف فعالیتهای آموزشی شد، در اوایل سال ۱۳۵۹ بنا به درخواست استانداری خوزستان، به صورت مامور به خدمت، در یک واحد آموزشی در استانداری مشغول به کار گردیدم.

در شهریور ۱۳۵۹ که جنگ تحمیلی آغاز شد، در اهواز ستادی به نام ستاد امنیت شهر تشکیل شد و من حدود سه سال در این ستاد به صورت شبانه‌روزی فعالیت داشتم و در این مدت، حدود ۲۱ ماه حضور در جبهه را تجربه کردم. از وظایف این ستاد، برقراری امنیت شهر در زمان جنگ بود.

با شروع دوباره فعالیت آموزشی در دانشگاه، در سال ۱۳۶۲ بنا به درخواست دانشگاه، به محل خدمت، دانشگاه برگشتم و طی حکمی از سوی ریاست دانشگاه یعنی زنده‌یاد دکتر محمدصادق نجفی به عنوان مسئول دبیرخانه کل انتخاب شدم.

دبیرخانه کل یکی از واحدهای پر مشغله و حساس دانشگاه بوده و هست که در این اداره، حجم بالایی از مکاتبات روزمره صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه دانشگاه علوم پزشکی هنوز مستقل نشده بود، بدیهی است که حجم و حساسیت کار بسیار بالا بود. در کنار کار در دبیرخانه کل، طی ابلاغیه‌ای به عنوان مسئول حراست دانشگاه برگزیده شدم گرچه واحد تازه تاسیس حراست دانشگاه، به لحاظ ساختاری مانند امروز نبود ولی جایگاه اداری داشت. با انتصاب دکتر عبدالرسول کاظم‌پور به ریاست دانشگاه، مسئولیت دبیرخانه کل به دوست ارجمندم آقای حمید قبله‌شناس واگذار شد و فرصتی پیش آمد تا بتوانم به امور روابط عمومی رسیدگی بیشتری داشته باشم.

در سال ۱۳۶۴ ازدواج نمودم که حاصل آن، سه فرزند پسر است و خدای را شاکرم که از فرزندانی خوب و شایسته بهره‌مندم و همسر گرانقدری که آموزگار بود و در تمام مراحل زندگی با بنده همراه و همدل بوده است. در این دوره، با همکاری دیگر دوستان در روابط عمومی از جمله آقای کاظم چوبدار، توانستیم نشریه خبری دانشگاه را که حاوی اخبار و مطالب مناسب با مسائل دانشگاه بود، منتشر کنیم. من ضمن خدمت در روابط

عمومی و حراست، در دفتر ریاست دانشگاه هم با آقای حاجی محمد بهبهانی که مسئول دفتر بود، همکاری داشتم. یکی از کارهای مهم در روابط عمومی دانشگاه، برگزاری مراسم سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در دهه فجر است که از جمله این مراسم، برپایی نمایشگاه دستاوردها و عملکرد دانشگاه بود. در چند نوبت این نمایشگاه به عنوان نمایشگاه برتر انتخاب و معرفی گردید.

با اوج گیری جنگ تحمیلی و حجم عملیاتی ارتش و سپاه، بویژه در خوزستان، در دانشگاه ستادی تشکیل گردید که شبانه روزی فعالیت داشت. از آنجا که من به طور تمام وقت در دانشگاه بودم، از سوی مدیریت دانشگاه یک خانه سازمانی در مهمانسرای دانشگاه در باغ معین برای اسکان خانواده اختصاص داده شد. به یاد دارم در یکی از روزهای سال ۱۳۶۵ که جلسه شورای اداری و مالی دانشگاه تا دیر وقت ادامه داشت، جنگنده های عراقی چندین نقطه اهواز از جمله مهمانسرای دانشگاه را بمباران و موشک باران کردند. من و دکتر کاظم پور رئیس دانشگاه به پشت بام سازمان مرکزی رفتیم و ملاحظه کردیم که شهر در دود سیاهی فرو رفته است. پس از آنکه به مهمانسرا رفتم متوجه شدم که یکی از موشکها به خانه من اصابت کرده و خانه ویران و تمام اسباب و اثاثیه منزل از بین رفته است. خوشبختانه در آن ساعت همسر و فرزند شش ماهه ام در منزل نبودند.

افزون بر انجام وظیفه در اداره روابط عمومی و حراست، در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان و شورای هسته گزینش کارکنان نیز عضویت داشتم که بعدها، اینجانب به عنوان رئیس هیات رسیدگی به تخلفات اداری و مدیر هسته گزینش منصوب شدم و تا زمان بازنشستگی در مسئولیت هیات رسیدگی به تخلفات اداری بودم. این دو حوزه کاری، بسیار پر مشغله بود و با انبوهی از نامه نگاری و تشکیل پرونده و رسیدگی روزانه و جلسات متعدد روبرو بودیم. از سویی دیگر، برخی کارهای ارجاعی، زمانبر و نیازمند جمع آوری مستندات بود که سبب می شد تا کار به درازا بکشد و افراد ذینفع هم شتاب داشتند که کار آنان هر چه زودتر انجام شود و به پایان برسد، همین امر موجب می شد که من هم بر کوشش و تلاش خود بیفزاییم.

در سال ۱۳۶۷ به عنوان عضو هیات مدیره تعاونی مسکن اسلامی کارکنان دانشگاه و در کنار زحمات دیگر اعضا موفق شدیم به رغم انبوهی از مشکلات، در بازه زمانی سه ساله، تعداد ۵۰ واحد ویلایی به طور کامل ساخت، به اعضای تعاونی تحویل دهیم.

در سال ۱۳۶۸ از مسئولیت اداره حراست و در زمان ریاست دکتر بخشنده، به دلیل حجم بالای کارها، از مسئولیت در روابط عمومی استعفا دادم و به عنوان مسئول دفتر رئیس دانشگاه تا زمان بازنشستگی یعنی بهمن ماه سال ۱۳۸۹ انجام وظیفه کردم.

با کمتر شدن حجم کارها، فرصتی پیش آمد تا دوباره با درس الفتی بگیرم. در سال ۱۳۷۵ در مقطع فوق دیپلم در رشته مدیریت، موفق به کسب مدرک تحصیلی شدم و با فاصله سه سال بعد ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۸۰ نیز مدرک کارشناسی در همین رشته را اخذ نمودم.

از جمله فعالیتهای بیرون از دانشگاه، همکاری با ستاد انتخابات استانداری در برگزاری انواع انتخابات بود. اینجانب از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۲ به عنوان فرد معتمد حوزه انتخابی منطقه گلستان در شهر اهواز انتخاب شدم و هر ساله وظیفه برگزاری انتخابات را زیر نظر فرمانداری برعهده داشتم. در طول این مدت و بهرغم وجود گرایشهای سیاسی متفاوت در کشور، کوشش من این بود که با بی طرفی و در چهارچوب های قانونی، این وظیفه را به انجام برسانم.

عضویت در شورای بسیج کارکنان دانشگاه یکی دیگر از زمینه های فعالیت من بود که از بدو شروع به کار بسیج به مدت چند سال پس از آن در این شورا حضور داشتم.

در سال ۱۳۸۹ با داشتن حدود ۳۳ سال خدمت بالاخره همراه با تعدادی دیگر از دوستان دانشگاهی، به بازنشستگی نایل شدم و پرونده خدمت رسمی من در دانشگاه به پایان رسید. در سراسر سالهای خدمت، هدفم جلب رضای خدا و رضایتنمدی ارباب رجوع و انجام صحیح کارهای ارجاعی بوده است.

پس از بازنشستگی، در سال ۱۳۹۲ از سوی اعضای هیات مدیره کانون بازنشستگان دانشگاه به عنوان مدیر عامل کانون با اتفاق آراء انتخاب شدم و کوشش بر آن است تا خدمات خوبی به کارکنان بازنشسته ارائه شود. پرداخت وام، اردوهای تفریحی و زیارتی، مسافرتها درون استانی و برون استانی، پیگیری امور بازنشستگان در دانشگاه و دیگر خدمات رفاهی متفرقه از جمله اقدامات این کانون است.

در طول ۳۳ خدمت، بارها به عنوان کارمند نمونه انتخاب شدم و دهها مورد تشویق نامه و تقدیرنامه از سوی مقامات وزارت علوم، استانداری، فرمانداری و روسای دانشگاه دریافت نموده ام.

سفارش من به همکاران گرامی دانشگاهی ام این است که در مسیر خدمت‌رسانی در محل کار، از صراط مستقیم، عدالت‌ورزی، صداقت و درستکاری خارج نشوند و در همه امور، خداوند باری تعالی را حاضر و ناظر بر رفتار خویش بدانند.

در پایان، لازم می‌دانم به شکل خلاصه در دو بخش، نامهای روسای محترم دانشگاه را که در طول خدمت، با ایشان تجربه کاری اندوخته‌ام و همچنین چکیده‌ای از مسئولیت‌های اجرایی خود را بیان نمایم:

۱- از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۹ در دفتر روسای زیر انجام وظیفه می‌کردم جناب آقایان:

- ۱- شادروان دکتر منوچهر دوایی
- ۲- شادروان دکتر محمد صادق نجفی
- ۳- دکتر عبدالرسول کاظم پور
- ۴- دکتر خسرو نادران طحان
- ۵- شادروان دکتر علی عنایت
- ۶- دکتر نصرت‌الله ضرغام
- ۷- دکتر منصور سیاری
- ۸- دکتر عبدالمهدی بخشنده
- ۹- دکتر مسعود صفایی مقدم
- ۱۰- دکتر سید محمد نوری موگهی
- ۱۱- دکتر مرتضی زرگرشوشتری
- ۱۲- دکتر حسن مروتی

ب- مسئولیت‌های اداری و اجرایی:

- ۱- رئیس اداره روابط عمومی دانشگاه
- ۲- رئیس دفتر ریاست دانشگاه
- ۳- عضو و مدیر هسته گزینش کارکنان دانشگاه
- ۴- عضو و رئیس هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دانشگاه
- ۵- اولین مسئول حراست دانشگاه به مدت ۶ سال

- ۶- عضو هیات مدیره تعاونی مسکن اسلامی دانشگاه
- ۷- عضو شورای بسیج کارکنان دانشگاه.
- ۸- مسئول منطقه انتخابات حوزه گلستان اهواز از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۲
- ۹- رئیس دبیرخانه کل دانشگاه
- ۱۰- مامور به خدمت در استانداری خوزستان و شاغل در ستاد امنیت شهر اهواز در دوران جنگ به مدت سه سال.
- ۱۱- مسئول حفاظت آزمونها در دانشگاه به مدت چهار سال
- ۱۲- مسئول دفتر محرمانه دانشگاه
